

## تاثیر آزادسازی تجاری بر ارزش افزوده بخش کشاورزی

پروانه سلاطین<sup>۱</sup>، محمد اسدی لمراسکی<sup>۲</sup>، محمد کریمی مشکانی<sup>۳</sup>

<sup>۱</sup> استادیار، گروه اقتصاد، واحد فیروزکوه، دانشگاه آزاد اسلامی، فیروزکوه، ایران (نویسنده مسئول)

<sup>۲</sup> کارشناس ارشد اقتصاد، گروه اقتصاد، واحد فیروزکوه، دانشگاه آزاد اسلامی، فیروزکوه، ایران

<sup>۳</sup> کارشناسی ارشد مهندسی صنایع، دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات، ایران

### چکیده

بخش کشاورزی به عنوان یکی از بخش های عمده اقتصادی کشور تحت تأثیر سیاست ها و تصمیم گیری های کلان اقتصادی قرار دارد. بخش کشاورزی در تعامل با سایر بخش ها می باشد و به صورت متقابل از دیگر بخش ها تأثیر می پذیرد. بخش کشاورزی به لحاظ دارا بودن قابلیت ها و ظرفیت های قابل توجه و نقشی که در تأمین مواد اولیه برخی صنایع و مواد غذایی مردم دارد از اهمیت ویژه ای برخوردار است. اهمیت این بخش زمانی آشکار می شود که ویژگی های چندگانه این بخش و تأثیری که در تأمین توسعه روستایی ایفا می نماید، مد نظر قرار گیرد. در این راستا هدف اصلی این مقاله بررسی میزان تاثیرگذاری آزادسازی تجاری بر ارزش افزوده بخش کشاورزی در ایران می باشد. نتایج حاصل از برآورد مدل به روش OLS در دوره زمانی ۱۳۹۲-۱۳۶۰ نشان می دهد. آزاد سازی تجاری تاثیر مثبت و معناداری بر ارزش افزوده بخش کشاورزی دارد.

واژه های کلیدی: آزادسازی تجاری، ارزش افزوده، OLS

طبقه بندی JEL: C22, Q17

**۱- مقدمه**

بخش کشاورزی در کشورهای در حال توسعه از جمله ایران به عنوان یکی از بخش های مهم در اقتصاد مطرح است که در زمینه تولید، اشتغال، امنیت غذایی، مبادلات خارجی و مزیت نسبی از جایگاه ویژه ای برخوردار بوده و دارای نقشی کلیدی در جریان توسعه اقتصادی می باشد. از سوی دیگر، سیاست های کشور در جهت رهایی از اقتصاد تک محصولی، توسعه صادرات غیرنفتی و همچنین تولید محصولات استراتژیک ایجاب می کند عوامل مؤثر جهت دستیابی به این اهداف از جمله افزایش تولید بخش کشاورزی مورد بررسی قرار گیرد (ساسولی و صالح، ۱۳۸۶). پس از انقلاب، توجه به بخش کشاورزی بیش از پیش مبذول شد، اما بررسی برنامه های توسعه نشان می دهد هر چند در برخی زیر بخش های کشاورزی عملکرد به دست آمده بیش از هدف تعیین شده بوده است، اما در برخی زیر بخش ها فاصله بین عملکرد و هدف بسیار زیاد است و اقدامات صورت گرفته در چارچوب برنامه ها نتوانسته اهداف موردنظر را محقق سازد (حکیمی پور و کریمی، ۱۳۸۳).

بخش کشاورزی در تأمین غذا، نیروی کار و سرمایه مورد نیاز سایر بخش ها و همچنین اهمیت تعقیب پیامدهای حاصل از سیاست های کلان اقتصادی و سرمایه گذاری از اهمیت و جایگاه خاصی برخوردار است. سرمایه گذاری در بخش کشاورزی، به دلیل افزایش پیوسته تقاضا برای مواد غذایی و دیگر محصولات کشاورزی می تواند موجب رشد تولید و اشتغال در این بخش شود. در واقع افزایش تقاضا موجب افزایش سطح قیمت ها گردیده و افزایش سطح قیمت ها موجب افزایش انگیزه برای سرمایه گذاری می گردد؛ بنابراین سرمایه گذاری بیشتر، رشد تولید و اشتغال بیشتر را به دنبال خواهد داشت. بیشتر فعالیت های کشاورزی در مناطق روستایی انجام می شود، لذا گسترش سرمایه گذاری در بخش کشاورزی در قالب سرمایه گذاری های دولتی و خصوصی می تواند موجب ایجاد فرصت های شغلی بیشتر در مناطق روستایی و در نتیجه جلوگیری از مهاجرت روستاییان به شهر ها و افزایش نرخ رشد بخش کشاورزی می شود (امینی و فلیحی، ۱۳۷۷). در این راستا، این مقاله در قالب داده های سری زمانی به بررسی میزان آزادسازی تجاری بر ارزش افزوده بخش کشاورزی در ایران در دوره زمانی ۱۳۶۰-۱۳۹۲ و آزمون فرضیه زیر پرداخته است.

آزادسازی تجاری تأثیر مثبت و معناداری بر ارزش افزوده بخش کشاورزی در ایران دارد. ابزار گردآوری اطلاعات مورد نیاز با استفاده از گزارشات و آمارهای منتشر شده از مرکز آمار ایران، بانک مرکزی و جهاد کشاورزی می باشد. در ادامه پس از بررسی مبانی نظری و سابقه پژوهش، ساختار مدل مورد استفاده معرفی و برآورد می شود و در نهایت نتیجه گیری و پیشنهادها ارائه می گردد.

**۲- مبانی نظری**

آزادسازی اقتصادی از میان برداشتن کلیه تخریب ها، محدودیت ها و سدهایی است که معمولاً سیاستگذاران و اربابان سیاست طی زمان بر سر راه حرکت طبیعی متغیرهای کلان اقتصادی در بازارهای اقتصادی ایجاد می کنند (رحیمی بروجردی، ۱۳۸۶). آزادسازی تجاری، به عنوان یکی از ارکان اصلی آزادسازی اقتصادی، به عنوان ابزار مؤثر بر رشد و توسعه اقتصادی به کشورها توصیه می شود. طی دهه ی ۱۹۷۰ تعدادی از کشورهای در حال توسعه، تلاش های فراوانی در زمینه آزادسازی اقتصادی شان از طریق انجام اصلاحاتی با هدف افزایش نقش بازار و کاهش موانع موجود در تجارت بین المللی و انتقال سرمایه انجام داده اند. شاخص های آزادسازی تجاری می تواند به طور مستقیم از نرخ های تعرفه استخراج شده و یا از آمار مربوط به متغیرهایی که به گونه ای در ارتباط با آزادی تجاری هستند، به دست آیند (اشراقی و سلامی، ۱۳۷۹) این گونه شاخص ها در حوزه ی شاخص های غیرمستقیم آزادی تجاری قرار می گیرند (گرت و رودریک<sup>۱</sup>، ۱۹۹۸). در مطالعات مرتبط شاخص آزاد سازی را به صورت نسبت مجموع صادرات و واردات به تولید ناخالص داخلی تعریف نموده اند. در این مطالعه نیز از این شاخص استفاده شده است. در بررسی آزاد سازی بازار سرمایه نیز شاخص هایی نظیر سرمایه گذاری مستقیم خارجی (استقراض از بازارهای بین المللی، قدرمطلق نرمال شده تفاوت بین پس انداز و سرمایه گذاری) و درجه آزادسازی بازار سرمایه به عنوان شاخص های

<sup>۱</sup>Garrett and Rodrik

آزادسازی تجاری معرفی شده اند (پیرایه، ۱۳۸۳). شاخص دیگر، نرخ نفوذ واردات است که از دو روش نسبت واردات به تولید ناخالص داخلی و یا نسبت واردات به کل مصرف محاسبه می شود (آندریا ماناجارا<sup>۱</sup>، ۱۹۹۳). از دیدگاه برخی اقتصاددانان و سیاستگذاران باز بودن تجاری (محدودیت تجاری کمتر) به عملکرد کلان اقتصادی بهتر و رشد اقتصادی سریع تر می انجامد. مطالعات تجربی فراوانی از این دیدگاه حمایت می کنند. نهادهای بین المللی همانند بانک جهانی، صندوق بین المللی پول و سازمان همکاری اقتصادی و توسعه اقتصادی به کشورهای عضو این باور را توصیه می کنند که آزاد سازی تجاری و سرمایه گذاری خارجی بر رشد اقتصادی تاثیرگذارند. پیوند مثبت میان باز بودن تجاری و رشد اقتصادی انگیزه مناسبی برای اصلاحات تجاری یک جانبه بی سابقه طی بیست سال گذشته به وجود آورده است. به طوری که ۱۰۰ کشور جهان به نوعی آزادسازی تجاری را متعهد شده اند (گرینوی و همکاران<sup>۲</sup>، ۲۰۰۲). تئوری های جدید رشد نیز دیدگاه مهمی را در رابطه با درک رابطه بین تجارت و رشد اقتصادی مطرح نموده اند. مبنی بر این که اگر رشد اقتصادی به وسیله فعالیت های R&D (تحقیق و توسعه) دنبال شود، تجارت امکان دسترسی یک کشور به دانش تکنولوژی شرکای تجاری اش را فراهم می کند. به علاوه تجارت، توسعه R&D را از طریق افزایش نوآوری ها تشویق می کند و به ویژه سبب می شود که کشورهای درحال توسعه به کالاهای سرمایه ای و واسطه ای که برای پروسه (جریان) توسعه حیاتی و اساسی هستند، دسترسی پیدا کنند. در این میان، گروهی از اقتصاددانان به تاثیر سیاست تجاری آزادتر بر رشد اقتصادی تردید دارند و نظریات آنها بر این عقیده استوار است که مطالعات تجربی موجود با تنگنای روش شناختی روبرو هستند، به طوری که نتایج این مطالعات نسبت به تصریح مدل، انتخاب نمونه و دوره زمانی استحکام ندارد و بنابراین نتایج آنها در بهترین حالت ضعیف و در بدترین وضعیت گمراه کننده است. به هر حال مجادله درباره تاثیر سیاست تجاری بر رشد اقتصادی از پیشینه طولانی برخوردار است.

در این راستا آزادسازی تجاری، رقابت بین بنگاه های داخلی و خارجی را افزایش می دهد و با افزایش کیفیت و کارایی تولیدات، توان رقابت پذیری تولیدات افزایش یافته و بهبود فناوری های تولیدی سبب کاهش هزینه های تولید می شود. علاوه بر افزایش کمیت و کیفیت تولید، تنوع تولیدات نیز افزایش یافته و مصرف کننده می تواند کالاها را در قیمت های کمتری خریداری کند. آزادسازی تجاری همچنین با دادن انگیزه به افراد برای بهبود مهارت هایشان، سطح استاندارد آموزشی آنها را افزایش داده و سبب ایجاد تخصص می شود. آزادسازی تجاری عامل بالقوه ای برای کاهش فقر است. آزادسازی تجاری انواع جدیدی از کالاها و خدمات را روانه بازارهای داخلی می کند که شامل تجهیزات پزشکی و بهداشتی نیز می باشد. این عوامل سلامتی، تغذیه و طول عمر افراد یک کشور را افزایش داده و سبب بهبود شاخص توسعه انسانی می شود (دیویس و کوین لیوان<sup>۳</sup>، ۲۰۰۵).

آزاد سازی تجاری و سیاست های توسعه مالی می توانند ناکارایی در فرایند تولید را کاهش داده و موجب تقویت رشد اقتصادی گردد. این واقعیت از آن جا نشات می گیرد که کشورهایی که از درجه باز بودن اقتصادی بیشتری و بازارهای مالی توسعه یافته تری برخوردارند، رشد اقتصادی سریع تری را تجربه نموده اند. (جعفری صمیمی، ۱۳۸۸)

مؤلفه ها آزاد سازی تجاری شامل خصوصی سازی، آزاد سازی تجاری، آزاد سازی نرخ ارز و آزاد سازی مالی می باشند. آزاد سازی و یکسان سازی نرخ ارز به مقدار تعادلی آن، سبب کاهش تقاضای کاذب و حذف زمینه های رانت خواری، شفاف سازی سیستم اقتصادی و مالی، تصحیح قیمت های نسبی کالاها و خدمات و بروز علایم صحیح برای مصرف کنندگان و تولید کنندگان و تخصیص بهینه منابع و امکانات تولیدی و در نهایت رشد اقتصادی بالاتر می گردد. با آزاد سازی واردات انتظار می رود انتقال تکنولوژی به داخل از طریق واردات کالاهای سرمایه ای که تکنولوژی پیشرفته ای دارند، صورت گیرد.

با آزاد سازی تجاری چون اقتصادهای باز قابلیت بیشتری برای جذب تکنولوژی از کشورهای پیشرفته دارند، این موضوع سبب هدایت اقتصاد به سمت اقتصاد مقیاس بزرگ در تولید به خاطر اثرات سرریز مثبت ناشی از توسعه ی تکنولوژی کشورهای

<sup>1</sup>Ndryamanajara

<sup>2</sup> Greenwood, J. & B. Jovanovic

<sup>3</sup>Garrett and Rodrik Davies., A, Quinlivan, G

صنعتی می شود. (بابا زاده، ۱۳۸۶) آزاد سازی تجاری سبب دستیابی گسترده به دانش می شود و توسعه فناوری باعث کاهش هزینه ها شده و سرعت تنوع کالاها را افزایش می دهد. در اثر رقابت گسترده صرفه های ناشی از مقیاس بهتر شناسایی می شود (ابریشمی و همکاران، ۱۳۸۸). بررسی کانال اصلی ارتباط دهنده درجه باز بودن تجاری و رشد اقتصادی را می توان در کارایی کل عوامل تولید و دانش انباشته شده در کالاهای تولیدی جستجو نمود. (رحیمی بروجردی، ۱۳۸۴)

### ۳- سابقه پژوهش

میرباقری هیر و همکاران (۱۳۹۳) در مطالعه ای تحت عنوان «بررسی تأثیر تجارت بر توسعه انسانی در کشورهای منتخب عضو منا» به بررسی تأثیر تجارت بر توسعه انسانی پرداختند. نتایج با استفاده از روش گشتاورهای تعمیم یافته در دوره زمانی ۲۰۱۲-۲۰۰۰ نشان می دهد که تجارت تأثیر مثبت و معناداری بر توسعه انسانی دارد. همچنین مخارج آموزشی، مخارج بخش سلامت و سرمایه گذاری مستقیم خارجی نیز تأثیر مثبت و معناداری بر شاخص توسعه انسانی دارند.

احمدی و حضار مقدم (۱۳۹۲) در مطالعه ای تحت عنوان "بررسی اثر آزادسازی تجاری بر شاخص توسعه انسانی در کشورهای در حال توسعه" به بررسی این موضوع پرداختند که آیا گسترش حجم تجارت و سرمایه گذاری مستقیم خارجی از ابزارهای مؤثر در ثبات و توسعه اقتصادی می باشد. داده های مورد استفاده در این بررسی از ۱۴۴ کشور در حال توسعه به دست آمده است. نتایج حاصله نشان دهنده تأثیر مثبت آزادسازی تجاری و افزایش حجم سرمایه گذاری مستقیم خارجی بر شاخص توسعه انسانی در ایران و سایر کشورهای در حال توسعه می باشد.

طاهری و موسوی (۱۳۸۹) در مطالعه ای تحت عنوان "بررسی نقش انرژی در ارزش افزوده ی بخش کشاورزی در ایران" نقش انرژی در ارزش افزوده ی بخش کشاورزی را بررسی نمودند. نتایج برآورد تابع تولید در دوره زمانی ۱۳۵۳\_۸۴ نشان می دهد که انرژی بر تولید بخش کشاورزی اثر معنادار داشته به طوری که ۱۰ درصد افزایش در مصرف انرژی، تولید را به میزان ۴/۱ درصد افزایش می دهد. همچنین مصرف انرژی بر ارزش افزوده ی بخش کشاورزی و زیر بخش های آن (به جز بخش جنگل داری) اثر مثبت دارد اما ارزش افزوده اثری بر ارزش افزوده ندارد.

شاه آبادی و محمودی (۱۳۸۹) در مطالعه ای تحت عنوان "بررسی رابطه توسعه واسطه های مالی و ارزش افزوده بخش کشاورزی در اقتصاد ایران" به بررسی رابطه میان متغیرهای توسعه واسطه های مالی و ارزش افزوده بخش کشاورزی در ایران در دوره زمانی ۱۳۵۲ - ۱۳۸۵ پرداختند. نتایج نشان می دهد میان متغیرهای توسعه واسطه های مالی و ارزش افزوده بخش کشاورزی رابطه مستقیمی وجود دارد؛ ولی درباره رابطه علی بین آنها را نمی توان اظهار نظر نمود.

موسوی و هکاران (۱۳۸۹) در مطالعه ای تحت عنوان "بررسی اثرات سیاست مالی بر ارزش افزوده بخش کشاورزی و صنعت در ایران" با استفاده از مدل تصحیح خطا برداری و توابع واکنش ضربه ای، اثرات سیاست مالی بر ارزش افزوده ی دو بخش یاد شده را بررسی نمودند. نتایج نشان می دهد که رابطه ی علی از سوی مخارج دولت به سمت ارزش افزوده می باشد یعنی مخارج دولت بر ارزش افزوده ی بخش کشاورزی در کوتاه مدت تأثیر دارد. همچنین در کوتاه مدت مخارج دولت بر ارزش افزوده ی بخش صنعت، صادرات تأثیر مثبت و معناداری دارند. با توجه به این که مخارج دولت در بلندمدت و کوتاه مدت بر سرمایه گذاری در بخش کشاورزی تأثیر مثبت داشته است؛ لذا، مخارج عمرانی دولت از راه بهبود زیر ساخت های بخش کشاورزی و شبکه به ویژه بهبود شبکه ی حمل و نقل سبب ترغیب تولید کنندگان به افزایش سرمایه گذاری در این بخش می شود.

شیرین بخش و بیات (۱۳۸۹) در مطالعه ای با عنوان "اثرات متقارن و نامتقارن شوک های نفتی بر ارزش افزوده بخش های کشاورزی و خدمات ایران" به بررسی رابطه ی بین صادرات نفتی و بخش کشاورزی به عنوان بخش قابل تجارت و بخش خدمات به عنوان بخش غیر قابل تجارت پرداختند. نتایج حاصل از تخمین الگوی خود بازگشت برداری، با توجه به واکنش های

نامتقارن بخش های کشاورزی و خدمات نسبت به تغییرات صادرات نفتی، وجود بیماری هلندی در ایران را مورد تأیید قرار می دهد.

ساسولی و صالح (۱۳۸۶) در مطالعه ای تحت عنوان "تأثیر سیاست های پولی و مالی بر بخش کشاورزی" به بررسی تأثیر سیاست پولی و مالی از طریق ابزارهای حجم نقدینگی و مخارج دولت بر ارزش افزوده بخش کشاورزی در دوره زمانی ۱۳۵۶-۱۳۸۳ پرداختند. نتایج با استفاده از روش خود رگرسیون با وقفه های توزیعی حاکی از آن است که سیاست مالی تأثیر مثبت و سیاست پولی تأثیر منفی بر ارزش افزوده بخش کشاورزی دارد.

حسینی درویشانی و همکاران (۱۳۸۳) در مطالعه ای تحت عنوان "بررسی اثرات سیاست های آزاد سازی تجاری و یکسان سازی نرخ ارز بر رشد بخش کشاورزی در ایران" با توجه به نقش بخش کشاورزی در فرآیند رشد و توسعه اقتصادی کشور به بررسی اثرات دو سیاست عمده در زمینه آزاد سازی تجاری و یکسان سازی نرخ ارز بر رشد بخش کشاورزی پرداختند. نتایج نشان می دهد که در دوره زمانی ۷۸-۱۳۴۰ تأثیر تعرفه ها بر رشد بخش کشاورزی منفی بوده و اعمال این سیاست که برای حمایت از تولیدات داخلی در برابر محصولات خارجی اتخاذ می گردد، برای بخش کشاورزی مفید نیست.

جادون و همکاران<sup>۱</sup> (۲۰۱۵)، در مطالعه ای تحت عنوان «آزادسازی تجاری، سرمایه انسانی و رشد اقتصادی» به بررسی رابطه آزادسازی تجاری، سرمایه انسانی و رشد اقتصادی در دو گروه کشورهای آسیایی توسعه یافته و در حال توسعه پرداختند. نتایج با استفاده از روش پانل دیتا (اثرات تصادفی) در دوره زمانی ۲۰۱۰-۲۰۰۱ نشان می دهد که در هر دو گروه کشورها، ارتباط مستقیمی میان آزادسازی تجاری و سرمایه انسانی وجود دارد؛ اما به دلیل وجود نیروی کار آموزش دیده و متخصص در کشورهای توسعه یافته، معناداری رابطه آزادسازی تجاری و سرمایه انسانی فقط در کشورهای توسعه یافته تحقق یافته است.

کریستینا کیس کاتوس و اسپارو<sup>۲</sup> (۲۰۱۳) در مطالعه ای تحت عنوان "فقر، بازار کار و آزادسازی تجارت در اندونزی" به بررسی آزاد سازی تجاری در ۲۵۹ منطقه از مناطق مالزی پرداختند. نتایج نشان می دهد که فعالیت هایی که به دانش و اطلاعات و دستمزد کمتری نیاز داشتند، به اثر کاهش تعرفه های تجاری بیشتر حساس می باشند. کاهش تعرفه برای کالاهای واسطه در کاهش فقر کمک زیادی نموده است. در حالی که کاهش تعرفه برای کالاهای نهایی اثر کمتری بر روی فقر داشته است. نهایتاً این که کاهش تعرفه به کاهش فقر منجر می شود.

سایبو و نوسا<sup>۳</sup> (۲۰۱۱) در مطالعه ای تحت عنوان "اثر سیاست پولی بر تولید بخش های اقتصادی در نیجریه" اثر متغیرهای نرخ ارز، شاخص قیمت سهام، نرخ بهره، میزان اعتبارات به بخش خصوصی و شاخص قیمت مصرف کننده را به عنوان ابزارهای سیاست پولی بر تولید بخش های مختلف اقتصادی برآورد نمودند. نتایج به دست آمده در دوره زمانی ۲۰۰۸-۱۹۶۸ حاکی از آن است که بخش صنعت به هیچ یک از ابزارهای سیاست پولی واکنش نشان نمی دهد، در حالی که بخش خدمات، عمده و خرده فروشی به نرخ ارز و بخش کشاورزی نیز فقط به تغییرات در نرخ بهره حساس می باشند. همچنین نرخ بهره و نرخ ارز از عوامل اصلی تعیین کننده رشد تولید بخش معدن هستند و در بخش ساختمان بیشتر تغییرات نرخ ارز و اعتبارات هستند که تأثیرگذارند و به طور کلی نرخ ارز مهمترین و تأثیرگذارترین ابزار سیاست پولی در اقتصاد نیجریه شناخته شده است.

لی<sup>۴</sup> (۲۰۱۰) در مطالعه ای تحت عنوان "بررسی اثر آزادسازی تجاری بر سرمایه انسانی در کشورهای در حال توسعه (با تمرکز بر ثبت نام در مدارس)" به بررسی اثرات آزادسازی تجاری بر سرمایه انسانی پرداختند. نتایج نشان می دهد که اثرات آزادسازی تجاری در کشورهای با سطح سواد بالا و پایین به شدت متفاوت می باشد.

<sup>1</sup> Jadoon et al

<sup>2</sup> Krisztina Kis-Katos a,c,\*, Robert Sparrowb

<sup>3</sup> Saybv and Noosa

<sup>4</sup> Lee

آنتونیز<sup>۱</sup> (۲۰۱۰) در مطالعه ای تحت عنوان "بررسی نقش توسعه مالی بر رشد ارزش افزوده" در کشورهای عضو اتحادیه اروپا در دوره زمانی ۲۰۰۷-۱۹۶۵ دریافتند که رابطه مثبت میان توسعه مالی و رشد ارزش افزوده و تاثیر منفی نرخ تورم و نرخ بهره بر رشد ارزش افزوده کشورهای مورد مطالعه وجود دارد.

فوستر<sup>۲</sup> (۲۰۰۸) در مطالعه ای به بررسی رابطه بین آزاد سازی تجاری و رشد اقتصاد پرداخت. نتایج در ۷۵ کشور، در دوره ی زمانی ۲۰۰۳-۱۹۸۶ نشان می دهد که تفاوت های معناداری در اثرگذاری آزادسازی تجاری بر رشد اقتصادی وجود دارد و منفعت کمی از آزادسازی تجاری بر نرخ های رشد تولید ناخالص داخلی سرانه وجود دارد.

یانگ و یی<sup>۳</sup> (۲۰۰۷) در مطالعه ای به بررسی رابطه علی میان توسعه مالی و رشد ارزش افزوده در کشور کره جنوبی پرداختند. نتایج در دوره زمانی ۱۹۷۱-۲۰۰۲ نشان می دهد که واسطه های مالی سبب رشد ارزش افزوده می شود. آنها توصیه نمودند کره جنوبی باید سیاست های اصلاح مالی را در پیش گیرند، زیرا اصلاحات مالی می تواند رشد ارزش افزوده مناسب را در میان مدت و بلندمدت تضمین کند.

آراجی و وایت<sup>۴</sup> (۱۹۹۲) در مطالعه ای تحت عنوان "تاثیر تحقیقات کشاورزی بر صادرات محصولات کشاورزی ایالات متحده" به برآورد اثرات تحقیق و توسعه بر متغیرهای تولید محصولات کشاورزی، قیمت محصولات کشاورزی و صادرات محصولات کشاورزی پرداختند. نتایج در دوره زمانی ۱۹۵۰-۱۹۸۸ نشان می دهد که افزایش یک میلیون دلار در مخارج تحقیقات سبب افزایش تولید به میزان ۳۶/۶ میلیون بوشل شده است.

#### ۴-تصریح مدل و برآورد

در این مقاله با استفاده از مبانی نظری و مطالعه تجربی جادون و همکاران<sup>۵</sup> (۲۰۱۵) برای بررسی میزان تاثیرگذاری آزادسازی تجاری بر ارزش افزوده بخش کشاورزی با تعدیلاتی از مدل (۱) استفاده شده است.

(۱)

$$\ln AGRI_t = \alpha_0 + \alpha_1 \ln G_t + \alpha_2 P_t + \alpha_3 \ln K_t + \alpha_4 \ln ER_t + \alpha_5 \ln EN_t + \alpha_6 \ln L_t + \varepsilon_t$$

در معادله (۱)  $\ln AGRI_t$  لگاریتم ارزش افزوده بخش کشاورزی به قیمت سال پایه ۱۳۸۳،

$\ln EN_t$  لگاریتم نسبت مجموع صادرات و واردات به تولید ناخالص داخلی به عنوان شاخص آزادسازی تجاری،  $\ln G_t$  لگاریتم هزینه های دولتی به عنوان شاخص سیاست مالی،  $\ln K_t$  لگاریتم سرمایه گذاری بخش دولتی در بخش کشاورزی،  $P_t$  نرخ تورم،  $\ln ER_t$  لگاریتم نرخ ارز واقعی،  $\ln L_t$  لگاریتم میزان اشتغال به عنوان شاخص نیروی کار،  $\varepsilon$  جمله خطای معادله و  $t$  نشان دهنده زمان می باشند. در ادامه جهت بررسی مانایی یا نامانایی متغیرها در این مقاله از آزمون ریشه واحد استفاده گردیده است نتایج حاصل از آزمون دیکی فولر برای متغیرهای مورد استفاده در این مقاله در جدول (۱) نشان داده شده است.

<sup>1</sup> Ntvnyz

<sup>2</sup> Foster, Neil

<sup>3</sup> Yang And Yi

<sup>4</sup> Arjan and White

<sup>5</sup> Jadoon et al

## جدول (۱): بررسی مانایی و نامانایی متغیرها

نتیجه	آماره t (P-Value)	آزمون ریشه واحد	متغیر
مانا -I(۰)	-۳.۷۴۶۰۳۸ (۰/۰۱۹۷)	Augmented Dickey-Fuller Test	<b>lnAGRI</b>
مانا -I(۰)	-۳.۹۹۱۱۱۴ (۰/۰۰۶۳)	Augmented Dickey-Fuller Test	<b>lnEN<sub>t</sub></b>
مانا -I(۰)	۳.۹۷۲۲۶۰ (۰/۰۲۹۴)	Augmented Dickey-Fuller Test	<b>lnG<sub>t</sub></b>
مانا -I(۰)	-۳.۸۹۰۸۳۶ (۰/۰۹۶۱)	Augmented Dickey-Fuller Test	<b>lnK<sub>t</sub></b>
مانا -I(۰)	-۲.۱۸۶۵۰۵ (۰/۰۳۷۷)	Augmented Dickey-Fuller Test	<b>P<sub>t</sub></b>
مانا -I(۰)	-۳.۷۷۷۸۴۷ (۰/۰۰۰۴)	Augmented Dickey-Fuller Test	<b>lnER<sub>t</sub></b>
مانا -I(۰)	-۳.۸۹۰۸۳۶ (۰/۰۷۶۱)	Augmented Dickey-Fuller Test	<b>lnL<sub>t</sub></b>

منبع: محاسبات تحقیق

نتایج آزمون ریشه واحد با استفاده از روش دیکی فولر نشان می‌دهد که همه متغیرها در سطح مانا هستند؛ بنابراین فرضیه صفر مبنی بر وجود ریشه واحد رد می‌شود. در نتیجه پایداری داده‌های مورد استفاده در مقاله قبل از برآورد مدل مورد تأیید واقع می‌شوند. در جدول (۲) نتایج حاصل از برآورد رگرسیون (۱) به روش حداقل مربعات معمولی در دوره زمانی ۱۳۹۲-۱۳۶۰ آمده است.

جدول (۲): نتایج برآورد تأثیر آزاد سازی تجاری بر ارزش افزوده بخش کشاورزی به روش **ols**  
(متغیر وابسته: ارزش افزوده واقعی بخش کشاورزی)

آماره t (P-Value)	ضرایب	متغیرهای توضیحی
۸/۵۴۵۱۱۴ (۰/۰۰۰)	۶/۰۱۱۶۸۰	<b>C</b>
۵/۸۳۰۱۱۰ (۰/۰۰۰)	۱/۰۵۵۷۶۳	<b>lnL<sub>t</sub></b>
۱/۸۳۶۴۱۶ (۰/۰۷۷۷)	۰/۱۲۷۷۲۰	<b>lnK<sub>t</sub></b>
۲/۶۲۳۸۲۶ (۰/۰۱۴۴)	۰/۰۵۹۸۵۹	<b>lnEN<sub>t</sub></b>
۰/۶۵۳۶۸۵ (۰/۱۱۹۱)	۰/۰۱۲۷۴۳	<b>lnER<sub>t</sub></b>
-۰/۹۱۶۱۶۴	-۰/۰۳۳۶۶۴	<b>P<sub>t</sub></b>

(۰/۰۶۸۰)		
۰/۴۲۵۶۳۴ (۰/۰۷۳۹)	۰/۰۲۲۱۰۲	$\ln G_t$
۰/۹۶۵۵۸۴		$R^2$
۱/۸۹۲۹۲۱		Durbin-Watson stat
۲/۱۲۷۹۳۲ (۰/۱۳۷۸)		White (P - Value)
۰/۸۱۶۲۰۳ (۰/۵۶۸۱)		Breusch-Pagan-Godfrey (P - Value)
۰/۵۷۹۹۵۶ (۰/۵۶۶۵)		LM (P - Value)
۰/۵۳۰۶۴۴ (۰/۷۶۶۹۵۹)		جارک - برا (P - Value)

منبع: محاسبات تحقیق

## ۵- نتایج و پیشنهادها

نتایج حاصل از برآورد رگرسیون (۱) به روش حداقل مربعات معمولی در جدول (۲) نشان می‌دهد:

- لگاریتم سرمایه گذاری بخش دولتی در بخش کشاورزی تاثیر مثبت و معناداری بر ارزش افزوده واقعی بخش کشاورزی دارد. به ازای یک درصد افزایش در سرمایه گذاری بخش دولتی به طور متوسط ارزش افزوده واقعی بخش کشاورزی به میزان ۰/۱۲۷۷۲۰ درصد افزایش می‌یابد.
- لگاریتم نسبت مجموع صادرات و واردات به تولید ناخالص داخلی به عنوان شاخص آزاد سازی تجاری تاثیر مثبت و معناداری بر ارزش افزوده واقعی بخش کشاورزی دارد؛ بنابراین فرضیه مربوط به ارتباط مثبت و معنادار میان آزاد سازی تجاری و ارزش افزوده بخش کشاورزی را نمی‌توان رد کرد.
- نیروی کار تاثیر مثبت و معناداری بر رزش افزوده واقعی بخش کشاورزی دارد. به ازای یک درصد افزایش در نیروی کار به طور متوسط ارزش افزوده واقعی بخش کشاورزی به میزان ۱/۰۵۵۷۶۳ درصد افزایش می‌یابد.
- لگاریتم نرخ ارز واقعی تاثیر معناداری بر ارزش افزوده واقعی بخش کشاورزی ندارد.
- لگاریتم هزینه های دولتی به عنوان شاخص سیاست مالی تاثیر مثبت و معناداری بر ارزش افزوده واقعی بخش کشاورزی دارد. به ازای یک درصد افزایش در هزینه های دولتی به طور متوسط ارزش افزوده واقعی بخش کشاورزی به میزان ۰/۰۲۲۱۰۲ درصد افزایش می‌یابد.
- نرخ تورم تاثیر منفی و معناداری بر ارزش افزوده واقعی بخش کشاورزی دارد. به ازای یک درصد افزایش در نرخ تورم به طور متوسط ارزش افزوده واقعی بخش کشاورزی به میزان ۰/۰۳۳۶۶۴ درصد کاهش می‌یابد.
- مقدار ضریب تعیین نشان می‌دهد که بیش از نود درصد از تغییرات لگاریتم ارزش افزوده واقعی بخش کشاورزی توسط متغیرهای مستقل مدل توضیح داده شده است.
- آماره دوربین و آتسون نشان می‌دهد که در مدل خود همبستگی وجود ندارد.
- آماره وایت نشان می‌دهد که در مدل مشکل واریانس ناهمسانی وجود ندارد.



• یکی از آزمون‌هایی که به منظور بررسی نرمال بودن جملات پسماند انجام می‌شود آزمون جارک- برا می باشد که در این آزمون از معیارهای چولگی و کشیدگی به منظور محاسبه آماره آزمون استفاده می‌شود که با توجه به نتایج این آزمون جملات پسماند دارای توزیع نرمال می‌باشند.

با توجه به نتایج حاصل از این مقاله پیشنهادهای زیر ارائه می‌گردد.

از آن جایی که آزاد سازی تجاری تاثیر مثبتی بر ارزش افزوده بخش کشاورزی داشته است بنابراین می‌بایست با تشویق صادر کنندگان و دادن سوبسید تلاش شود که صادرات کشاورزی افزایش یابد. همچنین روند کاهش تعرفه‌ها باید به گونه‌ای باشد که میزان کاهش آن برای واردات اولیه و سرمایه‌های این بخش حداکثر و برای محصولات نهایی حداقل باید تا بدین وسیله علاوه بر تصحیح انحرافات تجاری، رشد در بخش کشاورزی بیشتر شود.

## منابع:

۱. ابراهیم گرگی، معصومه علیپوریان (۱۳۸۵) "تحلیل اثر آزادسازی تجاری بر رشد اقتصادی کشورهای عضو اوپک"، پژوهشنامه بازرگانی، سال دهم، شماره ۴۰
۲. ابریشمی، حمید: مهر آرا، محسن و تمدن نژاد علیرضا (۱۳۸۸) بررسی رابطه خارجی و رشد اقتصادی در کشورهای در حال توسعه: روش گشتاورهای تعمیم یافته، مجله دانش و توسعه (علمی \_ پژوهشی)، سال ۱۶، شماره ۲۶، بهار: ۴۴-۶۶.
۳. اشراقی و سلامی ۱۳۷۹، تاثیر آزاد سازی تجاری بر توزیع درآمد در ایران، مجموعه مقالات سومین کنفرانس اقتصاد کشاورزی ایران، موسسه پژوهش‌های مالی و اقتصاد کشاورزی، ۹۷-۹۵
۴. امینی. ع و فلیحی. ن، ۱۳۷۷ بررسی وضعیت سرمایه گذاری در بخش کشاورزی ایران، مجله برنامه و بودجه ۹۵-۱۱۹.
۵. بابا زاده محمد: قدیمی دیزج، خلیل و رضایی بختیار، علیرضا (۱۳۸۶) "آزاد سازی تجاری و رشد اقتصادی در ایران" پژوهشنامه علوم انسانی و اجتماعی ویژه اقتصاد، سال هفتم، شماره بیست و ششم، پاییز: ۱۳-۴۴.
۶. پیرایه، م، (۱۳۸۳)، بررسی آثار جهانی شدن بر تقاضای واردات شکر ایران، فصلنامه ۴۷-۷۴ پژوهش‌های سیاست‌های اقتصادی، ۳۲.
۷. جعفری صمیمی، احمد و سیدمحسن حسینی (۱۳۸۸)، "بررسی رابطه بین مزیت نسبی ارزش افزوده و توسعه اقتصادی در بخش کشاورزی استان خراسان و مقایسه آن با سایر استان‌های کشور"، ششمین کنفرانس اقتصاد کشاورزی ایران.
۸. حاجیان، محمدهادی و همکاران ۱۳۸۶، "بررسی تأثیر سیاست‌های پولی و مالی بر متغیرهای عمده بخش کشاورزی ایران"، فصلنامه پژوهش‌های اقتصادی، سال هفتم، شماره چهارم، صص ۲۷-۴۷.
۹. حسین کریمی هسنیجه، ر خساره حضرتی، ۱۳۸۸، "آزادسازی تجارت خارجی و تأثیر آن بر رشد اقتصادی کشور ایران" اولین همایش ملی اقتصاد ایران، دانشگاه آزاد اسلامی واحد خمینی شهر.
۱۰. حکیمی پور، ن و کریمی، ع (۱۳۸۳)، "عملکرد بخش کشاورزی ایران در سه برنامه توسعه پس از انقلاب و چالش‌های عمده این بخش"، فصلنامه بانک و کشاورزی، شماره ۵، صص ۱۹۳.
۱۱. رحیمی بروجردی، علیرضا (۱۳۸۴) "بررسی مدل‌های کاربردی پیرامون رابطه میان رشد اقتصادی و آزاد سازی تجاری"، پژوهشنامه مدیریت اجرایی، سال پنجم، شماره ۱۷، بهار: ۷۷-۵۱.
۱۲. رضا محسنی، سعید غلامی نتاج امیری، ۱۳۸۴ "آزاد سازی تجاری و رشد صنعتی در ایران" پژوهشنامه بازرگانی، سال نهم، شماره ۳۴.
۱۳. ساسولی، محمدرضا، صالح، ایرج ۱۳۸۲، تاثیر سیاست‌های پولی و مالی بر بخش کشاورزی، ویژه نامه ششمین کنفرانس اقتصاد کشاورزی ایران، سال اول، شماره ۳، صفحات ۲۴۲-۳۳۳.

۱۴. سید محمود حسینی درویشانی " بررسی اثرات سیاست های آزادسازی تجاری و یکسان سازی نرخ ارز بر رشد بخش کشاورزی ایران ( ۷۸ - ۱۳۴۰ )" نخستین همایش کشاورزی و توسعه ملی.
۱۵. شاه آبادی، ابوالفضل و عبدالله، محمودی (۱۳۸۵). "تعیین کننده های سرمایه گذاری مستقیم خارجی (مطالعه موردی ایران)"، جستارهای اقتصادی، شماره ۵، صص ۱۸-۲۰۷.
۱۶. شیرین بخش، شمس الله؛ مقدس بیات، مریم؛ " بررسی اثرات متقارن و نامتقارن شوک های نفتی بر ارزش افزوده بخش های کشاورزی و خدمات ایران"، مطالعات اقتصاد انرژی، پاییز ۱۳۸۹ - شماره ۲۶ علمی-پژوهشی صفحه ۲۰-۲۰ تا ۲۰.
۱۷. عبدالکریم اسماعیلی و داریوش رحمتی، ۱۳۸۶ " اثر آزادسازی تجاری بر بخش کشاورزی ایران " فصلنامه اقتصاد کشاورزی، سال دوم، شماره ۱.
۱۸. علی محمد احمدی؛ نسرين حصار مقدم، تابستان ۱۳۹۲ بررسی اثر آزادسازی تجاری روی شاخص توسعه ۷-انسانی در کشورهای در حال توسعه، دوره ۴، شماره ۱۱، صفحه ۱۰۹-۱۳۴.
۱۹. فرزانه طاهری؛ سیدنعمت اله موسوی؛ ذکریا فرج زاده؛ مهدی جوکار پاییز ۱۳۹۲، "شبه سازی اثر افزایش هزینه های تولید بر صادرات و قدرت بازار پسته ایران"، دوره ۵، شماره ۱۹، صفحه ۱۶۹-۱۸۷.
۲۰. کاظمی، سال ۱۳۸۲، اثرات سرمایه گذاری خارجی بر اشتغال زایی در ایران، پایان نامه کارشناسی ارشد رشته علوم اقتصادی دانشگاه آزاد اسلامی واحد خوراسگان اصفهان.
۲۱. مقدسی، ر.، ع. فرهادی. ۱۳۸۲ " مطالعه تاثیرگذاری سیاست های پولی و مالی بر بخش کشاورزی ۱۳۵۰-۱۳۸۰"، مؤسسه پژوهش های برنامه ریزی اقتصاد کشاورزی.
۲۲. مقدسی، ر. یزدانی س. ۱۳۷۹. "مطالعه بین متغیرهای عمده بخش کشاورزی و سیاست های پولی و مالی." مجموعه مقالات سومین کنفرانس اقتصاد و کشاورزی. جلد دوم. مؤسسه پژوهشی و برنامه ریزی اقتصاد کشاورزی. ۱۸۹-صفحات ۲۱۵.
۲۳. موسوی، س و همکاران ۱۳۸۹، " بررسی اثرات سیاست مالی بر ارزش افزوده بخش های کشاورزی و صنعت در ایران"، تحقیقات اقتصاد کشاورزی، شماره ۴، صص ۱۳۴-۱۲۱.
۲۴. میرباقری هیر، میرناصر، رحیم زاده، فرزاد و صفوی، سید راشد، (۱۳۹۳)، "بررسی تأثیر تجارت بر توسعه انسانی در کشورهای منتخب عضو منا"، پژوهش های رشد و توسعه اقتصادی، دوره ۴، شماره ۱۶.
25. Aghion, P., Bacchetta, P. & A.V. Banerjee (2004), "Financial Development and the Instability of Open Economies", *Journal of Monetary Economics*, Vol.51, PP.1077-1106.
26. Andriamananjara, S. (1993), Have Trade Policy Led to Openness in Developing
27. Antonios A. 2010. Financial Development and Economic Growth a Comparative Study between 15 European Union member –States, *International Research Journal of Finance and Economics*, Issue 35, 143-149.
28. Banerjee, A., and et al. (۱۹۹۳). " Co-integration, error-correction, and the econometric analysis of non-stationary data". *Advanced Texts in Econometrics*. Oxford, UK: Oxford University Press.
29. Countries? The World Bank, International Trade Division.
30. Davies., A, Quinlivan, G(2006), "A panel data analysis of the impact of trade on human development, *Journal of socio-economics*, num 35, pp 868-876
31. Dollar, David (1992).outward-oriented developing Economics DoGrowth More Rapidly: Evidencefrom 95 ldc, 1976- 1985.*Economic Development andCenterfor Economic Performance Discussionpaper.No 384*

32. Economics, 58: 261-300.
33. Ernesto Aguayo, Tellez; and Jim Airola, Juhn Chinhui (2010); “ Did Trade Liberalization Help Women? The Case of Mexico in the 1990 s”, NBER Working Paper, no. 16195, issued in July 2010.
34. Foster, Neil (2008), The Impact of Trade liberalization on Economic Growth: Evidence from a Quantile Regression Analysis, *Kyklos*, Vol. 61, No. 4, 543-567.
35. Garrett, G. and Mitchell, D., (2001), Globalization, Government Spending and Taxation in the OECD, *19.European Journal of Political Research*, 39, 145170.
36. Greenwood, J. & B. Jovanovic (1990), "Financial Development, Growth, and the Distribution of Income", *Journal of Political Economy*, Vol. 98, PP. 1076-1107
37. Jadoon, A,Kh, Abdur Rashid, H & Azeen, A. (2015), “TRADE LIBERALIZATION, HUMAN CAPITAL AND ECONOMIC GROWTH: EMPIRICAL EVIDENCE FROM SELECTED ASIAN COUNTRIES”, *Pakistan Economic and Social Review*, Volume 53, No. 1 (Summer 2015), pp. 113-132.
38. Johansen, S., Juselius.K. (1992)."Testing structural hypothesis in a multivariate cointegration analysis of the PPP andUIP for UK".*Journal of Econometrics*, 53.
39. Krisztina Kis-Katos,Robert Sparrow, (2015)"Poverty, labor markets and trade liberalization in Indonesia". *Journal of Development Economics* 117 (2015) 94–106
40. Lachaal, L. and A.W. Vomak (2001), Impact of trade andmacroeconomic linkages on Canadian Agriculture, *AmericanJournal of Agricultural Economics*, Vol. 80,No. 3, PP. 534-542
41. Lee j-W.,1993, " International trade, distortions, and long-run economic growth.", *IMF Staff papers* 40 2: 229-328.
42. Levine R., Loayza N. and Beck T. 2000. Finance and Sources of Growth, *Journal of Financial*
43. Michael Keen, and Ben Lockwood, 2009, “The value added tax:Its causes and consequences. *Journal of DevelopmentEconomics*, 92 (2010) 138-151.
44. Pahlavani, M. Dahmardeh, N. (2007)."Import and export demand functions estimated in the Iranian economy using ARDLconvergence". *Journal of Economic*,3.
45. Pesaran, M. H. Smith R. (1998)." Structural Analysis of Co-integration VARs". *Journal of Economic Surveys*, 12, 471-505.
46. Saibo, M.O. & I.P. Nwosa (2011), "Effects of Monetary Policy on Sectoral Output Growth in Nigeria (1986-2008)", *Journal of Economics and Behavioral Studies*,
47. Vol. 2, PP. 245-254.
48. Yang Y. and Yi M. 2007. Does financial development cause economic growth? Implication for policy in Korea, *Journal of Policy Modeling*.

## The Impact of Trade Liberalization on the Value Added of Agriculture

Parvaneh Salatin<sup>1</sup>, Mohammad Asadi Lamraski<sup>2</sup>, Mohammad Karimi Moshkani<sup>3\*</sup>

<sup>1</sup>Department of Economics, Islamic Azad University, Firoozkooh Branch, Firoozkooh, Iran, Corresponding author

<sup>2</sup>Department of Economics, Islamic Azad University, Firoozkooh Branch, Firoozkooh, Iran

<sup>3</sup>Department of Industrial Engineering, Islamic Azad University, Science and Research Branch, Tehran, Iran

---

### Abstract

Agricultural part is one of the most economic part of the country that is on effected by politics and major economical decisions of the country. Agricultural part is in proportion with other parts. Agriculture is so important because of its worth and ability that has in providing human`s food and foodstuffs and also in providing industries. The importance of this part becomes manifest when the speciality and effects of the agriculture on the development of villagers is taking into consideration.

In this regard, the main purpose of this paper is to examine the impact of trade liberalization on the value added of agriculture In Iran. The results of the model estimation are presented by OLS method in the 1360-1392. trade liberalization has a positive and significant impact on the value added of agriculture.

**Keywords:** trade liberalization value added, OLS.

---